

دریاکنار

آهت نظر هفت تحریریه

نشیب و فراز

از هر خرم خورشای

«تا یکماه دیگر ۱۵۰۰ نفر بجمیت بوشهر افزوده می شود و این عده مامی صد - هزار تومان خرج خواهند کرد - اهانت انجمن تربیت بدنی و فدراسیون فوتبال بپوری دریائی ما را باید بچه حمل کنیم - بجای صندلی آبا سنگ هم نبود - در پشت پرده سیاست چه خبر است - نوری سیدباشادلال تشکیل اتحادیه کشورهای عربی!! در خلیج فارس - قاچاق فله - تقصیر با کیست؟ چرا ب مردم شکر نمی دهند؟ - سبب ژمی و خرم با بگرسته هانداند و نفر و خنده تا کتوبده شد و بدریا ریختند»

کتاب هفت
کاظم عطائی

بعد از انتخابات

حافظ وظیفه تو سخن گفتن است و بس در پشه آن میباش مکه نشیند یا شیند «حافظ»
آنها از آسیاب افتاد، جوش و خروش هاست کین یافت و هیجانانگیز و تشنجاتی که زاینده روح تعصب بود ملایم تر گردید همه اینها بر اثر خاتمه انتخابات صورت دیگر بخود گرفت .
اما آنچه از این مسئله در بین ما و در بین طبقات مختلفه ما باقی مانده اختلاف و فاصله غربی است که باید گفت خدا عاقبت آن را بخر کرد اند. انتخابات بهر صورت و کیفیت که بود خاتمه یافته و ما امروز دوران (بعد از انتخابات) را طی میکنیم این دوره که تا دو سال دیگر ادامه دارد و در عرض این مدت بر طبق سابقه اینکه موجود است هزار رنگ و قیافه بخود میگرد خیلی قابل دقت و ملاحظه است
اما آنچه جای بحث دارد اثرات و عوالتی است که از این دوره در روح ما نقش مینماید
انتخابات بوشهر خواه خوب و خواه بد در محیطی که اکثریت جامعه آنرا (محیط خوب) میدانند انجام پذیرفت و اگر احیاناً در این دوره بهجات خاصی که بحث در آن مورد قضا میسر نیست افراد و احادی اوصح مسلم و قانونی خود که انتحاب وکیل است محروم کرده اند صرف نظر کنیم میتوانیم بیک مسئله دیگر که آن فاصله عمیق جامعه است اشاره کنیم
اعتقاد عامه بر این است که بر اثر محرومیت افراد و جماعات در امر انتحاب وکیل یک اختلاف فاحشی در بین جامعه بوشهری بروز نموده که این اختلاف دو هفته گذشته که مجلس تودیع یکی از نمایندگان منتخب بود قیافه خود را ظاهر ساخت

آن روزهایی که رجال ویر - کز بدگان و سرجنابان ما به تو کوی و غلامی تو کران و فرمایش سفارت و کنسولگری بیکانه افتخار میکردند و مارک بندگی و عاملیت انگلستان به پیشانی و داغ بردگی اربابان سواحل تا میزد بگرده داغند هر گاه لاج کوخ - دن - جوایلد گوزنواگان انگلیسی به بندر بوشهر بمنظور «کردش دوستانه» می آمد و در لنگرگاه این بندر لنگر می انداخت، تمام دستگاہ و سازمان های - شولیت دار و ذصلاح ما مانند موزجگانی که در لانه شان آب ول کتند بچشو جوش می افتادند فدراسیون فوتبال انجمن تربیت بدنی اداره فرهنگ از یکماه و یک هفته جلوتر بهترت و - شایسته ترین و آبرومندترین وسیله پذیرائی را فراهم می ساختند شیها نیز مجالس شام و شب نشینی فراهم می گشت و زونات ایرانی و اروپائی افسران انگلیسی می انداختند تا اربابان دمی خوش باشند و برقصند این افسران انگلیسی که هفته و ماهها در دریا بسر می بردند و وزن بخود ندیده بودند در معاشرت با زنان فرنگی مآب تر گل و در گل ما که هفت قلم نوات کرده و سرور بخود را کاملاً

اویسلد . ع - ج

داستان هفت

شب شراب نیارزد بیامدادان خمار

آب آتشین

هر کس اینچنانشده باید خوش باشد برور برگرد ندارد - نگاه کن انگار طلبه های تعصب ایبا بخور با با نازنکن مثل اینکه می خواهی از عروس و خجول و امل همدان قبانوس «بله» بگیریم آب جوی که بد نیست؟! چون تو با غدا بپوک مادرم مثل آب است الان شرط میندم ده تاش بخورم عزیزم بد است جوانی مثل تو با دوستاش هب آهنگ نشاند نگاه کت چگونه بچه ها سر نشاط آمده اند فریدون کیلاس آبجورا از دست رفیقش هرمز گرفت کیلاس تالیبه کف سفید رنگی گرفته بود و بنه دیگرش را آب زردی تشکیل میداد پشت کیلاس و بطری های آب جواز فرط خشکی عرق کرده بود کیلاس با و آ کره بلب بود یک ساخت و پس از آنکه چند بار چند قطره از آن را نوشید و مزه مزه کرد تا ببیند چه طعم و بوی دارد آنرا لاجرم سر کشید هرمز چون بس است، اینهم خوردم که برزخ نیا شم ۰۰۰ آه دلم دارد بهم میخورد حیث آدم نیافه ایست چیزها بخوره رفقا برای فریدون که اولین باز کیلاس آبجورا سر کشیده بود دست زدند هو را کشیدند یکی کباب تکه گرفت و بدفانش گذارد و دیگری چند تا پسته مغز کرمو باو

چرا مالیات بر درآمد کسبه و پیشه ووران بر طبق آنچه

که در قانون تصریح شده تشخیص نمیگردد...؟

سیاه و سفید

بقیه از شماره پیش

«۵» حالا که صحبت از بی بولی شد بد نیست که خیلی محرمانه و آهسته دوباره نصف بنه مالی ملکیت با خواننده گان گرامی اندکی درد دل کنیم و زیر جلی کپ بزیم راستی کار این ملکیت با وجود فقر روز افزون مالی یکجا می کشد روزی که لایحه نه ماده ای قانون ملی صنعت صنعت نفت را تصویب رسانیدند گفته اگر نما پندگان ما در تصویب آن امان و کار شکنی کنند و تاخیر نمایند روزی سید مهر اولیو بشری ملکیت خواهد بود و روی همین اصل بود که هر چه زودتر از تصویب مجلس گذشت از آنست روز تا امروز یکسال گذشته یکسال سید و صنعت و چند روزی باقیه در ص ۳

دو هفته گذشته عده ای از کسبه و پیشه ووران بوشهر بدقت این روزنامه مراجعه و از طرز تشخیص مالیات آنها که از طرف کمیسیون صنایع معینی شود شکایت و اظهار ناراضگی می نمودند
ما محصل اظهارات آقایان این است که گویا در سال ۱۳۳۰ فرمانداری بوشهر در تعیین نمایندگان اصناف بپوشوی کسبه و دو قانون معین شده عمل نکرده و چندین را روی بعضی اصول بعنوان نمایندگان اصناف تعیین نموده این اقدام فرمانداری صرف - نظر از آنکه اجرای قانون را به طریقی که قانون گذار منظور داشته عملی ساخته تولید نا رضایتی و - اختلاف در بین کسبه نموده است تا حدی که امروز برای البین مشاهده می شود یک نوع احساساتی ملو از غیث و غضب بر علیه نمایندگان اصناف که انتافاتیکی و نافر آنها از مردمان هرفی و صاحب صنایع می باشند تولید کرده

ملاقات آقای نخست وزیر

با نمایندگان دوره هفدهم

اوسامت ۱۰ صبح خنیه کله نماینده گان دوره ۱۷ که در مرکز حضور دارند طبق دعوت قبلی جناب آقای نخست وزیر در منزل ایشان گرد آمده و در باره اوضاع و احوال عمومی کشور مذاکراتی شد
آقای نخست وزیر پس از استخوار نمایندگان او ایشان تشکر کردند و آنگاه با اوضاع عمومی کشور و ملی شدن صنعت نفت و سایر امور اشاره و در پایان با افتتاح دوره چهارم مجلس اشاره نمودند
پس از پایان آقای نخست وزیر آقای یوی نماینده نیشابور نیز هرفی در تالیبه اظهارات آقای نخست وزیر اشاره و پس از مذاکراتی مفروضه بین این جلسه فرود در مجلس هورای ملی تشکیل بود - مفارن ظهور جلسه پایان یافت

نطقی ملکه هلند در امریکا

وا هنگتن - ژو لایا ملکه هلند در جلسه مشترک مجلس نمایندگان سنای امریکا نطقی ایراد کرد و طی آن خاطر نشان ساخت که فعل آزاد جهان باید خوبترین و برای مقاومت در مقابل تجاوز کمونیستها بیرونده سازند
ملکه هلند همچنین اظهارات امریکا برای اجرای برنامه های اصل چهارم و بسیاری از اوضاع دنیا تشکر و سپاسگزارانه نمود

خبرهای دیباکانر

انتقال رئیس بهداری

یک خبری که هنوز رسماً تأیید نشده، میگوید آقای دکتر گلشن رئیس بهداری منتقل شده و بجای ایشان دکتر اعراقی که مورد توجه و علاقه مردم است به بوشهر خواهد آمد

انتقال رئیس حسابداری بهداری

آقای افشاری رئیس حسابداری نیز معدوم بجای ایشان پکنفر از تهران خواهد آمد

تصادف و فوت

روز سیزده نوروز جیب آقای فتحالله انگالی به جیب اصابت کرد مطلق مزبور پس از آنکه به بهداری آوردند و بانسمان کردند درگذشت گفته میشود شوهر جیب تصدیق نداشته و جیب هم فاقد ترمز بوده است

نگراف به مناسبت حلول سال جدید

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شاهنشاه جوان تخت ایران جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب و جناب آقای دکتر امینی وزیر معنوم اقتصاد ملی در جواب تلنگر افهای شاهباش نوروزی اطاق بازرگانی شهرستان بوشهر به بازرگانان و کارمندان اطاق بازو گانی بمناسبت حلول سال جدید شادباش گفته اند

مجلس توذیع

بمناسبت عزیمت جناب آقای احمد فرامرزی نماینده محترم بوشهر در مجلس شورای ملی در اطاق بازرگانی مجلس توذیع برقرار شد در این مجلس روسا اداره های دولتی و بتگاههای ملی بازرگانان و محترمین مدیران و خیر انکاران جراید شرکت داشتند آقای شهر دار بوشهر ضمن نطق مفید و مختصری از نمایندگان بوشهر خواستند که در حدود وظیفه ای که دارند برای اعاده عمران و آبادی این شهرستان خدمت و جدیت نمایند

آقای فرامرزی در جواب ایشان وعده همه گونه مساعدت را در حد و امکان دادند

کشف تریاک

بیست کیلو تریاک بوسیله آقای سهانی رئیس بندر دریکی از سفاین بادی کشف و تحویل اداره دارائی گردید

نظم و آرامش در شبانگاه

در موقع انتخابات

طبق اطلاع واصله کار استوار بود چه بمنظور حفظ صندوق انتخابات شبانگاه در موقع انتخابات بفرماندهی دسته برآزجان منصوب شده بود با اینکه احتمال هر گونه پیش آمد سوئی میرفت معیناً با جدیت و کوشش ایشان و افراد زاندارمری و سایر مسئولین امر هنگام تصدی ایشان نظم و آرامش کامل برقرار بود

نشیب و فراز

کاملاً معطای عسکر ما وقتی باهواقت «به اول انتخابات» خود را در حیث تحریر به خبرها ند ما همه سراپا گوش میوهام معطای راست میگویند دیگر انتخابات خوب یا بد چرخ بود گذشت بیاید روی هندگروا بوسیله آغوش خود را برای هم باز کنیند و دنیا با کینهها و عدالت دیرینه بهور بیرون نماند بقوه با هم بشن و همکاری بکنند دیگر برای سعادت مردم و آزادی این شراب آباد کاری کرد

در کشورهایی که قانون بر آنها حکومت میکند و چرخ منگنه از روی نظم و عدالت و آزادی میچرخد مبارزه های انتخاباتی وقتی تمام شده غالب و مغلوب همین گشته جنگجوی همواره بودند و باهم دوست و رفیق میشوند و بزبان حال میگویند

بهاکه بر سر حالیم و دوستی و سلامت بشرط آنکه تعدادیم از گذشته حکایت

اسمال آسمان بر زمین های ما بپول شد و این بخل بجایی کفیه که بپول قاهر هزار «که از سر نکرده ذرخ و بپول»

قبضت کنیم دور بپول قبضت آن بالا رفته و این برای اینست نان در کله مواد خواربار مونر انقاده و از گران شوراکی گذشته بگرانی بوهاک هم کشیده است

من بپول دارم اینجین شهر ما شهرداری مسا و سایر مقامات مسئول از هم از گزین باین فکر افتاده اند تا جلوی گران بپول مواد خواربار گرفته شود و نخواهند گذاشت که مردم از لحاظ غله و نان دچار وجه بشوند

پیش شا بدان غله ما مثل سیل اومرز خارج شد و بآن دور صور بیار هرستان و جزایر و بندر هرخ نشین وقت

اداره غله و نان در غریبه غله اهتال و سستی کامل بخرجهاد تصهریم انداخت زیرا پول نداشت که غله بخرد از هزار و تهران دستور غریبه غله میداده اما پول لایسرفه اندون بشیر و بک گداو

و دیلم کفاروز و صاحبان غله میگفتند مسا غله داریم بروت بیایه بخرد با بکنارده که بسواحل ایران مثلا به لنکه و بندر عباس حمل کنیم اما اداره غله و نان در این موقع چشم و گوش خود را معکم می بست و بحرف مردم گوش نمیداد نه مهربانی و لنگداهت بسواحل ایران - از بکه بندر ایران به بندر دیگر ایران حمل خود وقتی هم چند تومان از شیراز و تهران برای غله میخرید ما مورین دارائی در بخش های غله بخیر اینقدر برود اذیت میگردند و بهانه های بی اسرائیلی می آورده که

صاحبان غله از فروش غله بپول بی زار و روگردان میشوند در انجام مردم وقتی بهانه بر طبق قانون و راست حسینی استوارانه غله خود را بفروشد و با بارکنند آمده زیر چالی پنهانی با از

ما اینتران ساختند و با دامن هودو بسر و مدار حسا غله خود را به گویش و بحرین و دومی و هارچه و قطر و قطر حمل کسروند

بردم نی خود فشار وارد ساختن که بسر لهر توان کرد لکه بر سر سر لهره لغایه لغشت آشر این چه لهرور گوئی و لهرور می است که دولت بلاق خان با کفاروز بگوید نه غله ات را می خرم و نه

می گذارم بباغله ایران بسواحل و جزایر ایران حمل کنی آه کسی که دانه در زمین افتاده گفته دوریند و برداشته با میهد آست که آرا بفروشد و نلی بیرو حال اگر بگویند غله ات را من خرم و نه می گذارم بار کنی چه خواهد کرد !!

می گویند هکر توئی اپار گدگر خوابیده ولی بردم بوشهر هکر نی دهنه . . . نعمته چه مانی دارد مردم بوشهر بکر روزی نای می خوره که از آرد ذرت هشتک زده و از خاک اوه و خاک اوه هن دوست همه بود

مردم بوشهر روز حالی را بخاطر دارند که اپار اداره خوار پار بر از خرما سب زمین و برنج بود و دولت شاه اپار ها مردم از گرسنگی می مردند و دولت اجازه نمی داد سبب زمین و خرما موجودی خواربار را بفروشد تا جایی که خرما و سبب زمین گشتمه و خراب شد و پیش چشم مردم گرسنه به دریا ریختند

حالا هم هکر در اپار گدگر معروضه است و اداره کسل لند اجازه بدهد که مقداری از آسرا بصرف مردم بوشهر برسانند . . . نعمته چه مانی دارد این بیانی مسانه و شنیه به بیرو ولی راستن را بخواهید زمانه ماران ما و این های که در تهر از سده سر ملت بست های حساسی را اغفال کرده اند بگرما بیستند و نلی خواهند کردگی ما مرتب باید چشم آرا نماند که به بیئنه ما راحت و آسوده حساب تا زمانی که ما در بند تشریفات غشک و فور مالیته اداری هشتم کار ما با سامان نمی رسد

